

یادداشت
مرئضی عزتی

دولت و توزیع مستقیم برخی کالاها

شرایط کنونی اقتصادی وناهماهنگی نرخ تورم بانرخ ارز، حاصل چسبندگی قیمت‌هاست که در تئوری‌های اقتصادی به کرات مطرح می‌شود. وقتی کالایی دچار چسبندگی قیمتی می‌شود، یعنی قیمت آن بالا می‌رود و در مرحله بعد، قیمت آن خیلی سخت پایین خواهد آمد، لذا وقتی قیمت‌ها افزایش می‌یابد، روند کاهشی به‌شدت و سرعت روند افزایشی صورت نمی‌گیرد. نکته دیگر آن است که نرخ افزایش دلار طی چند ماهه اخیر، ۳۰۰درصد بوده، یعنی حداقل سه برابر شده در حالی که قیمت کالاها اغلب تا ۸۰ درصد افزایش را تجربه کرده است. به‌همین سبب هنوز هم برخی از تولیدکنندگان با تاکید بر میزان افزایش نرخ ارز، منتظرند دولت به آن‌ها اختیار بیشتری برای افزایش قیمت بدهد. نکته مهم دیگر آنکه کالای موجود در بازار به دو دسته مبادله‌ای و غیرمبادله‌ای تقسیم می‌شود و تأثیرپذیری آن‌ها از نرخ دلار، متفاوت است. برای مثال، وقتی نرخ ارز افزایش پیدا می‌کند اول از همه کالاهای قابل مبادله گران‌تر می‌شوند. یعنی کالاهایی که صادرات و واردات دارند. در مرحله بعد، قیمت کالای غیرمبادله‌ای مثل خدمات، بالا می‌رود که در حال حاضر نیز افزایش قیمت این کالاها در بازار شروع شده است. بنابراین با این نگاه و با اطلاع از تأثیرپذیری متفاوت قیمت کالاها از نرخ ارز، افزایش قیمت‌ها طبیعی به نظر می‌رسد. اما در برابر این گرانی‌ها و تورم، قدرت خرید مردم قرار گرفته که کماکان رو به کاهش است. قدرت خرید مردم به‌شدت پایین آمده است و از آنجایی که دستمزدها متناسب با تورم، افزایش پیدا نمی‌کند، بنابراین گرانی کالا و افزایش نرخ تورم، یعنی کاهش قدرت خرید مردم و رفاهی که هر روز از دست می‌رود. این بخش از موضوع منجر به کاهش تقاضا و یک رکود سنگین می‌شود که خطر بزرگی برای اقتصاد به‌شمار می‌رود. اگرچه چند سال پیش تجربه رکود تورمی را پشت سر گذاریم، از این پس هم تجربه آن محتمل خواهد بود. تنها راهکار میان‌مدت این است که دولت به‌جای کمک‌های نقدی مثل سبدهای حمایتی به توزیع مستقیم کالا در میان مردم بپردازد. یعنی دولت خود توزیع کننده شود و با این کار تا حدودی قدرت خرید مردم را جبران کند. رسالت مهم دیگر دولت، تشدید نظارت بر بازار است. همان طور که بررسی‌های متعدد علمی هم نشان می‌دهد، اقتصاد کشور ما بیش از هر اقتصاد دیگری نیازمند نظارت بالادستی‌هاست وگرنه کنترل برخی معضلات از جمله افزایش قیمت‌ها و افزایش نرخ تورم، دشوار خواهد بود.

اقتصاددان

ادامه از صفحه ۲

فرایند دشوار پیگیری...

از سوی دیگر، طبق قانون، مسیر کمک‌های دولت به صندوق‌ها و دیگر نهادهای سازمان‌ها، بودجه‌های سالانه است و به همین خاطر هم سازمان تأمین اجتماعی همه‌ساله در فصل بودجه، به تکلیفی می‌افتد تا نیازهایش در بودجه گنجانده‌شود. این‌حال سازمان تأمین اجتماعی در سال جاری شیوه‌ای جدید را در پیش گرفته است. امسال سازمان باهماهنگی وزارت رفاه با سازمان برنامه و بودجه وارد مذاکره شده تا نیازهای بودجه‌ای خود را در لایحه بگنجانند. اگر به روند پرداخت بدهی‌های دولت به تأمین اجتماعی در سال‌های قبل نگاه کنیم، متوجه تفاوتی دیگر هم می‌شویم. در گذشته دولت به‌طور معمول شرکت‌ها و بنگاه‌ها را به سازمان تأمین اجتماعی می‌داد که اکثر هم بالای جان سازمان تأمین اجتماعی می‌شدند. کم‌کم روش‌های پرداخت نیز عوض شد و در بودجه‌های سننوتای و حتی در برنامه ششم توسعه، کانال‌های پرداخت‌های متنوعی ایجاد شده که محدود به واگذاری شرکت‌ها و بنگاه‌ها نیست و تمرکز آن بیشتر روی بازار قرضه است. این تغییر سبب می‌شود دست سازمان تأمین اجتماعی بازتر باشد و بر اساس امکاناتی که در بازارهای مالی وجود دارد، پیشنهادهایی را مطرح و پیگیری کند که امکان اجرای بهتر آن‌ها وجود داشته باشد.

کارشناس تأمین اجتماعی

در بورس انرژی، خریداران خارجی نفت محدودیتی ندارند

رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار گفت: «محدودیتی برای خرید نفت از سوی خریداران داخلی و خارجی، در بورس انرژی وجود ندارد.» به گزارش «مهر»، شاپور محمدی، گفت: «عرضه نفت خام در بورس انرژی کار صحیحی است و با توجه به حمایت کمیسیون اقتصادی و انرژی مجلس انجام این مهم، تداوم خواهد یافت.» وی ادامه داد: «محوریت فروش نفت در بورس انرژی با وزارت نفت است و سازمان بورس مساعدت‌های لازم را انجام می‌دهد. عرضه نفت خام در بورس انرژی انجام‌شده و وزارت نفت در حال تنظیم برنامه منظم برای عرضه نفت است و اطلاع‌رسانی در این رابطه انجام می‌شود.»

۰۴ | کتینه‌و

خبرها و نظرهای نمایین اجتماعی

معمای مقاومت قیمت‌ها در برابر کاهش نرخ ارز

غول تورم را به درون شیشه برگردانید!

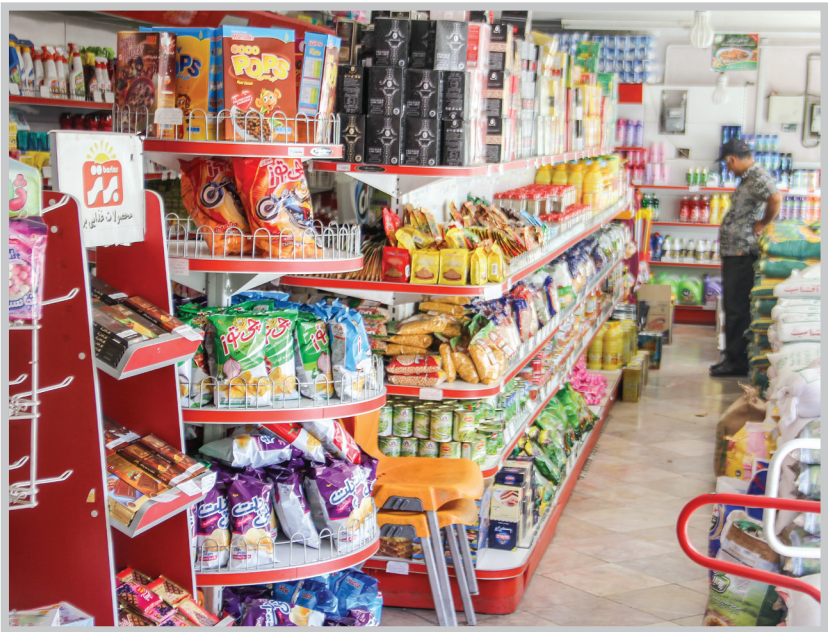
دلار به زیر ۱۰ هزار تومان هم برسد، اما در واقعیت این نرخ برای متقاضی واقعی آن همچنان بالاست. همچنین بایدتاکید کرد که در آینده احتمال جهش نرخ دلار با سیاست‌هایی که بانک مرکزی در پیش گرفته، وجود دارد، چراکه سیاست‌هایی مثل اعمال محدودیت در ترانکش، درست مثل چاقوی دولبه هستند که از یک‌سو برای مقلعی کوتاه، دلالان را از خریدوفروش آزادانه ارز بازمی‌دارد، ولی بعد از مدتی اثر منفی خود را با بی‌اعتمادی عمومی به پول ملی نشان خواهد داد.»

علیه آشفته‌بازار قیمت‌ها

وی در ادامه با اشاره به اثر منفی تحریم بر بازار، می‌گوید: «شرایط بی‌ثباتی در اقتصاد وجود دارد و یکی از مشخصه‌های بی‌ثباتی اقتصادی برهم‌ریختگی وضعیت قیمت‌ها در بازار است که البته باعث ظهور گران‌فروشان، دلال‌ها و برندهای متقلب در بازار می‌شود. به‌عنوان مثال، طی مدت اخیر علاوه بر گرانی کالا، بی‌کیفیتی محصولات، همچنین رواج برندهای جعلی، مردم را می‌رنجانند. در چنین آشفته‌بازاری، هرکس تلاش دارد سود بیشتری ببرد. اگرچه مسئولان و ناظران، قیمت نهایی و اصلی کالاها را در سایت‌ها و اطلاعیه‌های مشخص درج کرده‌اند، اما باز هم برخی گران‌فروشان از وضعیت آشفته، بهره‌برداری می‌کنند و در این زمینه، مردم وظیفه دارند با دولت و مسئولان نظارتی همکاری کنند.»

رکود تورمی در انتظار بازار

این کارشناس اقتصادی با تاکید بر اینکه میزان تقاضا برای کالاهای اساسی نسبت به قبل کاهش پیدا کرده است، ادامه می‌دهد: «با کاهش نرخ دلار، تب بسیاری از خریداران برای خرید بیشتر فروکش کرده، یعنی همان کسانی که در خانه‌های خود انبارهای خانگی درست کرده بودند. به عبارتی تقاضای کاذب کمتر شده و آنچه در بازار وجود دارد، تقاضای مصرفی است. به همین دلیل یک رکود بسیار عمیق در انتظار بازار است که دیر یا زود فروشنده‌ها را ناگزیر از کاهش قیمت‌ها خواهد کرد. در یک زویه منفی و با این فرض که نرخ تورم همچنان مسیر افزایشی خود را طی کند و دولت برنامه‌ای برای مهار آن در نظر نگیرد، رکود تورمی برای بازار کالاها پیش‌بینی می‌شود، مگر آنکه به فراخور سیاست‌های دستوری که دولت برای کنترل بازار ارز در پیش گرفته است، قیمت کالای اساسی نیز مهار شده و نرخ‌ها به اجبار کاهش پیدا کند که البته این امر با توجه به تجربه‌ای که بازار کشور دارد، تقریباً ممکن است. معمولاً هم زمانی که قیمت‌ها بالا رفته است اگرچه پایین آمده، اما مثل سابق نشده است. تنها در خصوص برخی از کالاها که قیمت‌های نجومی را تجربه کرده مثل رب گوجه‌فرنگی یا پوشاک، این کاهش صورت می‌گیرد اما همان طور که بازار هم گویاست کاهش قیمت این محصولات نیز طبق آنچه مورد انتظار است، رخ نداده است.» به نظر می‌رسد در کنار کاهش نرخ دلار باید برخی سیاست‌های نظارتی و کنترلی دولت برای برگرداندن غول تورم به درون شیشه تشدید شود و این امکان برای بازیگران مولد و اصلی اقتصاد فراهم شود تا دوباره سرمایه‌های خود را با اطمینان خاطر به جریان بیندازند.



تقریباً یک ماه از روند کاهشی نرخ دلار گذشته، ولی قیمت کالا و خدمات نه تنها پایین نیامده، در برخی موارد بالاتر هم رفته است.

خودرو از جانب همین متقاضیان است که نه مصرف کننده واقعی، بلکه متقاضی کاذب هستند.»

کاهش نرخ دلار؛ پایدار یا غیرواقعی؟

طبق بررسی‌های انجام‌شده و مشاهده‌های میدانی، قیمت کالا و خدمات ثبات بیشتری نسبت به قیمت دلار، طلا و سکه دارد از این رو نباید منتظر تأثیر لحظه‌ای قیمت کالاها از نرخ دلار بود، اما مسئله این است که تقریباً یک ماه از روند کاهشی نرخ دلار گذشته، ولی قیمت کالا و خدمات نه تنها پایین نیامده، بالاتر هم رفته است. سرعت بالا رفتن نرخ تورم به حدی است که برخی خطر ابرتورم را برای اقتصاد کشور به دولت هشدار می‌دهند.

مهدی تقوی، کارشناس اقتصادی نیز با اشاره به اینکه روند نزولی دلار با مکانیزم دستوری و با دخالت بانک مرکزی صورت گرفته است، در این رابطه به «آینه‌نو» تأکید می‌کند: «در دو ماه اخیر نظارت و دخالت بانک مرکزی نقش مستقیمی در کاهش نرخ دلار داشته است، اما این به‌معنای کاهش واقعی نرخ دلار در بازار نیست، چراکه کماکان برخی از متقاضیان دلار سرگرداندند و با نرخ‌های اعلام شده، دلاری نمی‌گیرند. دولت می‌تواند از طریق ابزارهای اقتصادی نرخ دلار را پایین بیاورد، اما باید در نظر داشت که اقتصاد کشور هنوز در تحریم به‌سر می‌برد و ذخایر ارزی به میزان مطلوب نرسیده است و آینده فروش نفت هنوز مبهم است. نظارت‌های دولت، بسیاری از خریداران کاذب را از بازار ارز، دور کرده، اما محدودیت عرضه ارز از جانب صراف‌ها و حتی بانک‌ها نشان می‌دهد، ذخایر ارزی به اندازه‌ای که باید، نیست و در آینده حتی شاید این ذخایر محدودتر هم شوند، بنابراین کاهش نرخ دلار اگرچه با ورود بانک مرکزی اتفاق افتاده و حتی شاید با این شیوه، قیمت

تولیدکنندگان و توزیع کنندگان در شرایطی که هزینه‌ها بالا می‌رود برای حفظ سود و منفعت، به سرعت قیمت‌ها را بالا می‌برند، واکنش بازار در این شرایط معمولاً به افزایش قیمت کالا می‌انجامد. اما در مقابل زمانی که هزینه‌ها کاهش پیدا می‌کند، این واکنش از سوی بازار برای کاهش قیمت‌ها تعبیری نمی‌کند، چراکه اینجا دیگر هم بازار و هم مشتری به قیمت عادت کرده و از آنجایی که سود و منفعت تولیدکننده و توزیع کننده در ادامه این وضعیت است، لزومی به کاهش قیمت‌ها نمی‌بینند مگر آنکه دولت با نظارت و کنترل یا به‌صورت دستوری، قیمت‌ها را پایین بیاورد.»

سهم دلال‌ها در گرانی‌ها

وی می‌افزاید: «برخی از کالاها البته افزایش هزینه‌ای بسیاری را تجربه کرده‌اند که به‌دلیل افزایش قیمت خدمات بسته‌بندی و هزینه‌های حاشیه‌ای مثل نرخ حمل و نقل - که تحت تأثیر اعتصاب رانندگان کامیون جهش قابل توجهی داشته - رخ داده، اما قیمت‌گذاری آن‌ها متناسب با هزینه‌شان نبوده است. یعنی دولت با مکانیزم‌های دستوری مجوزی برای افزایش قیمت جز در حد معین و درصدی مشخص نداده است، آن‌ها حتی منتظر افزایش بیشتر قیمت کالا هستند و قیمت‌های فعلی را پاسخ‌گوی هزینه‌ها نمی‌دانند. محصولاتی مثل لبنیات و مرغ از جمله این کالاها هستند. البته باید تأکید کرد که فعالیت دلالان و سودجویان در بازار که عمدتاً به‌دلیل عدم نظارت زیاد شده، سهم زیادی در گرانی‌های فعلی دارند به‌طوری که قیمت کارخانه‌ای محصولات با قیمت بازار آن‌ها فاصله زیادی پیدا کرده است. برای مثال، در حال حاضر افزایش بیش از ۸ میلیونی قیمت کارخانه‌ای خودرو با بازار، جایبیت زیادی برای خریداران خودرو ایجاد کرده و بخش زیادی از تقاضا برای

چرا کاهش نرخ ارز بر تورم اثر نگذاشته است؟

است. فولاد نیز با کاهش نرخ دلار ارزان تر شده و خودروهای وارداتی هم در حال افت قیمت است، بنابراین تا افول قیمت نرخ دلار به زیر ۱۰ هزار تومان، تغییری ملموس در قیمت کالاها به‌ویژه آن‌هایی که ارز دولتی دریافت نکرده‌اند، دیده نخواهد شد و کاهش چند هزار تومانی دلار برای کاهش نرخ تورم، کافی نیست.

کارشناس اقتصادی

